عکس: سعید غلامحسینی / شهروند

آب‌وهوایی در قالب الگوهایش یعنی سیلاب، برف و کولاک، خشکسالی و گرمازدگی، بروز بیماری‌های نو پدید و.. به‌عنوان بخشی از این زمینه‌ها نقش خودش را در ماموریت‌هاهلال احمر نشان می‌دهد. قطعاما باید بابررسی و تحلیل وضع موجود، نقش این پدیده‌ها را در سازوکاری جدید، درنظر بگیریم. بالاخره، تغییرات آب‌وهوا و گرم‌شدن نزدیک به ۲ درجه‌ای (۱،۶۹ سانتیگراد) کره‌زمین و موضوع لایه و پوشش گازهای گلخانه‌ای تغییرات جدی‌ای را به وجود می‌آورد. ما باید با یک نگاه آینده‌نگری این نقشه را تکمیل کنیم و آموزش‌های‌مان را بر مبنای آن شکل دهیم. بنابراین نقدی که مطرح شد، نقدی وارد است. ما باید از رفتار سیلاب‌های کشورمان، ارزیاب داشته باشیم، حتی شاید نیاز باشد که متخصصان ما در این حوزه حضوری موثرتر داشته باشند. مثلا حادثه سیل در آذربایجان‌شرقی و غربی ما، بخشی‌اش توجه نداشتن به واقعیتی به نام سیل و عدم شناخت آن بود. این نشان می‌دهد همه اینها از الزامات است، یعنی هم باید آنالیز وضع موجود را داشته باشیم و هم با نگاه به آینده تغییرات را ارزیابی کنیم و ببینیم. این تغییرات در ایران بسیار جدی است و کشور ما گرانیگاه خاص تغییرات آب‌وهوایی است. البته این را هم باید بگوییم در راهبردهای کلانی که در کمیسیون اجتماعی دولت در زمینه مدیریت بحران، در حال تدوین است، دیدم که به این موضوعات به‌عنوان پروژه‌های ملی توجه شده است. مونیتورینگ حوادث و سوانح، نقشه خطرپذیری و به‌روزرسانی استانداردها که بخشی از آن استانداردهای سازه‌ای است و بعضی استانداردهای غیرسازه‌ای است، همه مورد نیاز است که البته باید تاکید کرد بخشی از این موضوعات فرهنگی هستند. رسانه در این زمینه بسیار موثر است. رسانه باید کمک کند که خواسته‌ها و مطالبات مردم در جایگاه صحیح خودش قرار بگیرد. اگر خواسته مردم ما یک برنامه علمی باشد، مثل یک ساختمان است. گودبرداری یک ساختمان بعضی از مواقع برای همسایگان ایجاد مزاحمت می‌کند، ذاتا کاری خطرناک هم هست و در مرحله گودبرداری نمایی از آبادانی در آن نیست، اما این مرحله بسیار با اهمیت است و هست‌ونیست ساختمان به این مرحله بستگی دارد که پی و فنداسیون را هم دربرمی‌گیرد. متاسفانه ما از نظر فرهنگی عادت کرده‌ایم به این مراحل که نمایی ندارد (اما بسیار مهم است)، اهمیت نمی‌دهیم و بیشتر سراغ اقداماتی که محصولات قابل لمس دارد، می‌رویم و قضاوت‌ها هم بر همین مبناست. برای همین در حوزه مدیریت، علاقه‌مندیم سریع یک طرح اجرا شود، مثلا کیف کمک‌های اولیه توزیع شود، ساختمان ساخته یا دستگاهی ایجاد شود یا یک پایگاه افتتاح شود، اما وقتی راجع به این صحبت کنیم که یک دولت یا مجموعه آمد و مثلا یک نقشه راه ایجاد کرد یا یک کار مطالعاتی ریشه‌دار انجام داد، این را ارزش نمی‌دانیم. الان مسئولان همه دنبال خروجی هستند، علت هم دارد، چون طول مدت مدیریت‌ها کوتاه است و همه مجبورند به خروجی نگاه کنند. وقتی درباره برنامه‌ریزی حرف می‌زنیم، فرآیندی زمان‌بر است. در کشور یونان، ۲۰ سال طول کشید تا با آموزش ۲ درصد از «جی‌دی‌پی» را که برای حوادث هزینه می‌شد، کاهش دهند. این را مردم باید بپذیرند و آن را به‌عنوان یک دستاورد ببینند که فاز یک، دو و سه دارد، ولی ما تحمل این انتظار کشیدن را نداریم، زیرا اصولا تحمل‌مان کم شده است. همان‌طور که تحمل‌مان در حوادث و موضوعات سیاسی کم شده و تحمل‌مان درباره نقد کم شده، در این موارد هم تحمل نداریم. اینها همه عوامل تاب‌آوری است که بر آن تاکید می‌شود. تحمل ما درباره اشتغال سخت و فکر کردن هم سخت شده است. همین الان خود شما در مصاحبه‌ای که در حال انجام است، در حرف‌های من برای تیتر زدن دنبال عدد و رقم هستید. چرا؟ چون مردم ما علاقه‌مند به خواندن مطالب نیستند و می‌خواهند خیلی زود با خواندن تیتر و عدد، از موضوع عبور کنند، بدون این که بخواهند آن را با شاخص‌های استاندارد بسنجند، بنابراین من هم یاد می‌گیرم عدد و رقم به شما بدهم. من هم یاد می‌گیرم بیشتر به جای برنامه‌ریزی و پی‌ریزی برای داشتن یک نقشه راه، گودبرداری صحیح، ایجاد یک فنداسیون مناسب و بعد ساخت ساختمان روی آن، ساختمانی ولو با یک سازه سبک برپا کنم که دیده شود، چون نه عمر مدیریتی من کفاف این را می‌دهد که بمانم و ارزیابی کنم و نه مخاطب من برای ایجاد فنداسیون، ارزشی قایل است. نتیجه‌اش این است که عمده این خواسته‌های مردم به خواسته‌های منتخبان‌شان، جهت می‌دهد. حالا بخشی از این منتخبان در دستگاه‌های اجرایی هستند، بخشی در دستگاه قانون‌گذاری یا نظارتی‌اند و بخشی هم به‌عنوان امین آنها در ارایه خدمات هستند. این موضوع، سیکلی معیوب ایجاد کرده است. من خواسته‌ام عمیق نیست، پس خواسته منتخب من که بخشی‌اش در دستگاه اجرایی است هم به این خواسته متمایل است و می‌خواهد سریع پاسخی بدهد. مهم این است که اگر می‌خواهیم برنامه‌ای درست و اصولی انجام دهیم، باید تغییراتی انجام شود. برنامه‌ریزی و آموزش به تبع آن زمان‌بر است، شاید مردم به این نقد داشته باشند که بالاخره از عمر یک دستگاه و نهادی بیش از ۲۰ سال می‌گذرد و یک دستگاهی که بیش از ۳۰ سال دارد، ماموریتی را دنبال می‌کند، یعنی این‌قدر صبر کرده‌ایم در این زمان و آنها باید برنامه‌ای مدون و درست پی‌ریزی می‌کردند و باید ۳۰ سال پیش فکر می‌کردند که نیاز نباشد امروز هم بنشینند و فکر کنند، اما بالاخره اقدام نشده یا اقدامات به صورت جزیره‌ای بوده است، چون اصولا شیوه ما این‌طور است که خیلی از تجارب گذشته هر چند موفق هم باشد، استفاده نمی‌کنیم و فکر می‌کنیم همه کارها را هر کدام از ما باید از نو انجام دهیم، اما اگر در این مقطع زمانی هم این نگاه تغییر نکند، نگاه رسانه به نمایندگی از مردم که من به آن لنز دیداری مردم می‌گویم، تغییر نکند و نگاهش را به این سمت نبرد، مردم هم این تغییر در آنها ایجاد نشود، مسلم بدانید این اقدامات نرم‌افزاری بسیار بااهمیت انجام نخواهدشد، اما تا دل‌تان بخواهد، اقدامات سخت‌افزاری انجام می‌شود. فلان لودر را خریداری می‌کنیم، فلان ست امدادونجات را خریداری می‌کنیم و فلان انبار را تاسیس می‌کنیم. بیمارستان افتتاح می‌کنیم و مرکز درمانی و آموزشی را ایجاد می‌کنیم که همه اینها باید بشود و خوب است، چون قابل لمس است، اما کارهای تحقیقاتی و مطالعاتی، خیر، خریدار ندارد.

الگوی تغییرات آب‌وهوایی دارد خودش را در ماموریت‌های هلال احمر نشان می‌دهد. ما در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۹۴، رشد ۴۹ درصدی ماموریت‌های امدادونجات را در برف و کولاک داشتیم و رشد ۱۶ درصدی ماموریت‌های هلال احمر را در سیل شاهد بودیم

• در حین حوادث اتفاقاتی می‌افتد که احساسات مردم برانگیخته می‌شود. در این زمان مثلا حین حادثه پلاسکو آن‌طور که کارشناسان هم می‌گویند، مردم آماده یادگیری هستند، آماده‌اند درباره آتش‌سوزی، زلزله، سیل و... بیاموزند، اما ناهماهنگی‌ها ممکن است برخی از اقدامات را یا به تاخیر بیندازد یا اساسا کاری کند که انجام نشود. من برداشت خودم را می‌گویم که در این زمان‌ها رسانه‌ای مثل رادیو و تلویزیون هیچ اقدامی نمی‌کند و تماشاگر است، حتی ممکن است به شما به‌عنوان یک نهاد آموزشی که محتوا تولید می‌کنید، آنتن هم ندهد، برای این موارد چه باید کرد؟

من این نقد را به صداوسیما وارد نمی‌کنم، چون درست است که ما درباره محتوا حرف می‌زنیم، اما در این حوزه هم فقر داریم. ما حتی در محتوای خام هم فقر داریم. تازه این محتوای خام باید تبدیل به محتوای قابل تاثیر شود. یک موضوع پخش است که به صداوسیما ربط دارد. بله ممکن است که رأیزنی کنیم و نیاز باشد که برای هزینه با آنها وارد بحث شویم، اما اگر همین الان صداوسیما بگوید می‌خواهم روزانه چند ساعت به مجموعه شما برای پخش محتوایی تاثیرگذار در مدت ۱۰ سال آنتن بدهم تا ابعاد حادثه را کاش دهد، من چنین محتوایی را آماده ندارم. آدم باید منصف باشد، ما ممکن است خیلی جاها حرفی برای گفتن داشته باشیم، اما در این زمینه خاص این‌طور نیست. بخشی از این ماجرا به تفکر دولتی بازمی‌گردد. چطور وقتی یک محصول غذایی دچار کاهش می‌شود، بخش خصوصی عرضه می‌کند و مردم حاضرند هزینه‌اش را بدهند، بخش خصوصی، هم آن کالا را تزریق می‌کند و هم باعث تعادل در بازار می‌شود، دولت هم ناظر و هماهنگ‌کننده است. ما در آموزش هنوز تفکر حضور بخش خصوصی و سازمان‌های مردم نهاد را نداریم. چرا؟ چون این ادبیات را جاری و ساری کرده‌ایم که آموزش رایگان است. بعد نکته دیگری که در این موضوع هست این است که وقتی گفتیم آموزش رایگان، تصور این است که تولید، محتوا، مدرس و عرضه‌اش هم رایگان است. وقتی یک چیز رایگان شد، انگیزه‌ای برایش در چالاک‌بودن در پاسخ به موضوع وجود ندارد. باید تاکید کنیم که درصد قابل توجهی از موضوع را در اجتماعات باید اقتصادی ببینیم. ما اعتقاد داریم باید به آن مرحله‌ای برسیم که انگیزه‌ها معنوی باشد. اگر در هنگام یک حادثه به انسانی کمک می‌کنیم، به‌خاطر اقتصاد که نیست، به‌خاطر کمال و روح انسانی است. اساسا اقدامات بشردوستانه بر همین مبناست. اقدامات بشردوستانه اساسا به خاطر بعد اقتصادی نیست، اما در این موضوعات که عرض شد، حداقل بعدش اقتصادی است. ما نمی‌گوییم هزینه این اقدام را مردم باید تقبل کنند. بین رایگان‌بودن آموزش برای مردم و رایگان‌بودن آموزش فاصله بسیار زیاد وجود دارد، اینها دو مقوله جدای از هم هستند.

• راه‌حل هم دارد؟

اگر بیمه‌ها قرار است در حوادث برای جبران خسارت هزینه کنند، اگر بیمه‌ها اعتقاد داشته باشند که هرچه سریع‌تر در زمانی که مردم نیاز دارند، وارد آموزش شوند و به این شیوه می‌تواند خسارت‌ها را کاهش دهند، خودبه خود، از آموزش حمایت می‌کند و برای آن هزینه خواهد کرد، اما وقتی ساختار بیمه دولتی است و بودجه دولتی به آنها تزریق می‌شود، آنها خیلی لمس نمی‌کنند که این آموزش چقدر می‌تواند بر اقتصاد آنها تاثیرگذار باشد و چالاکی را از دست می‌دهد.

چرا آمادگی

آمادگی عمومی در برابر حوادث و بلایا ۲ فایده مهم دارد

• موجب کاهش ترس و اضطراب و نیز کاهش خسارات ناشی از سوانح می‌شود. جامعه، خانواده و شهروندان باید بدانند که هنگام وقوع آتش‌سوزی چه باید بکنند و هنگام وقوع طوفان، زلزله یا سیل به کجا پناه ببرند. مردم باید آماده باشند تا هنگام ضرورت خانه‌های خود را ترک کنند و در پناهگاه‌های عمومی استقرار یابند. در چنین اوضاعی شهروندان باید بدانند که چگونه نیازهای اولیه پزشکی خود را تامین کنند.

• مردم با انجام اقداماتی می‌توانند دامنه خسارات ناشی از سوانح را کاهش داده (از جمله ساخت سیل‌بند، ارتفاع دادن به خانه‌های مسکونی یا جابه‌جایی محل سکونت از مسیر خطر و محکم کردن وسایلی که در جریان زمین‌لرزه احتمال سقوط آنها می‌رود) یا به‌طور کلی خود را از گزند خطر دور نگه دارند.

چرا آمادگی ضرورت دارد؟

• حوادث و بلایا سالانه جان صدهاهزار نفر را می‌گیرند. هر یک از حوادث و بلایا برای شهروندان و امکانات جامعه می‌تواند عواقب طولانی‌مدتی به همراه داشته باشد.

• اگر در جامعه حادثه یا بلایی روی بدهد، دولت و سازمان‌های امدادرسان اقدام به ارایه کمک خواهند کرد، اما شهروندان نیز خود باید آماده باشند. امدادرسانان بلافاصله در محل وقوع سانحه حضور پیدا نخواهند کرد و گاهی ممکن است در جایی دیگر سرگرم امدادرسانی باشند.

تیم‌های آمادگی

بعد از وقوع حوادث و بلایا مردم ممکن است به دلیل وسعت ناحیه آسیب‌دیده، نبود ارتباطات و مسدودشدن راه‌های دسترسی، برای مدت معینی صرفا به امکانات خود متکی باشند. برای آمادگی در برابر چنین شرایطی می‌توان در هر منطقه‌ای تعدادی از شهروندان داوطلب را در قالب تیم‌های مردمی آموزش داد تا هنگام وقوع حوادث و بلایا بتوانند علاوه‌بر محافظت از خود و اطرافیان‌شان، به سایر آسیب‌دیدگان نیز کمک فوری بدهند. این تیم‌ها اطلاعات مربوط به حادثه را هنگام رسیدن نیروهای کمکی نیز در اختیار آنان قرار می‌دهند.

اعضای این تیم‌ها در مورد شناخت حوادث احتمالی و روش‌های آمادگی در برابر آنها و نیز مهارت‌های اساسی سازماندهی، آموزش می‌بینند، به‌طوری که بتوانند تا زمان رسیدن نیروهای کمکی به خود، سایر اعضای خانواده، دوستان و همسایگان کمک برسانند. به این افراد، آموزش‌هایی در مورد آمادگی در برابر حوادث، ایمنی در برابر حریق، ارایه کمک‌های اولیه پزشکی، انجام عملیات جست‌وجو و نجات اولیه، سازماندهی تیمی و آشنایی با حمایت روانی آسیب‌دیدگان هنگام وقوع حوادث و بلایا ارایه می‌شود. بعد از اتمام این دوره به اعضای گروه توصیه می‌شود تا رابطه خود را کماکان حفظ کرده و با شرکت در مانورهای محلی و سایر برنامه‌های مخصوص داوطلبان، آمادگی جامعه را در برابر حوادث و بلایا تقویت کنند.

تخلیه اضطراری

اگر هنگام بحران، ترک محل سکونت یا کار ضرورت پیدا کند، مسئولان از طریق رسانه‌های جمعی موضوع را به اطلاع عموم مردم می‌رسانند. در چنین وضعی از سایر سیستم‌های هشدار (نظیر اعلام از طریق بلندگو یا تماس تلفنی) نیز استفاده می‌شود. گاهی اوقات نیز شرایطی به وجود می‌آید که عده‌ای از شهروندان احساس خطر می‌کنند. در چنین شرایطی شهروندان باید محل سکونت یا کار خود را ترک کنند.

فرصت زمانی ترک محل یا کار به نوع بحران بستگی دارد. اگر بحران ناشی از شرایط جوی (نظیر وقوع طوفان دریایی) باشد، از آن‌جایی که می‌توان خط سیر آن را پایش کرد، حدود یک یا دو روز فرصت برای تخلیه وجود دارد. اما اغلب حوادث مجالی به مردم نمی‌دهند تا ضروری‌ترین امکانات را نیز فراهم آورند. به همین دلیل برنامه‌ریزی و آمادگی برای برخورد با چنین شرایطی لازم است.

موارد ترک محل کار یا سکونت شایع‌تر از آن است که اغلب مردم تصور می‌کنند. در جوامع صنعتی هرساله صدها بار حوادث ناشی از حمل‌ونقل و تولید روی می‌دهند. در چنین حوادثی مواد خطرناکی در محیط منتشرشده و مردم را ناچار به ترک محل سکونت یا کار می‌کند. در کشور ما نیز حوادث طبیعی و تکنولوژیک به کرات اتفاق افتاده و در آینده نیز روی خواهد داد. بنابراین بهتر است افراد با راه‌های ترک محل کار و سکونت خود در مواقع بروز بحران آشنایی داشته باشند. هر فرد می‌تواند این راه‌ها را روی نقشه‌ای ترسیم کند تا هنگام ضرورت از آن استفاده کند.

توصیه‌های لازم به هنگام ترک محل

اگر احتمال ترک محل کار یا سکونت مطرح باشد، بهتر است باک خودرو پر از بنزین باشد، زیرا پمپ بنزین‌ها در چنین مواقعی به علت قطع برق قادر به عرضه بنزین نیستند. طوری برنامه‌ریزی شود که به‌ازای هر خانواده فقط از یک خودرو شخصی استفاده شود تا بار ترافیک سنگین نشده و تخلیه با تاخیر مواجه نشود.

• افرادی که خودروی شخصی ندارند، با مسئولان یادوستان خود برنامه‌ای برای تخلیه تدارک ببینند.

• همواره از طریق یک رادیوی دستی اوضاع پیگیری و دستورات مقامات مسئول در مورد نحوه ترک محل کار یا سکونت رعایت شود.

• در صورت الزام به ترک فوری محل سکونت، بهتر است تمام اعضای خانواده همدیگر را پیدا کرده و با هم محل سکونت را ترک کنند.

• افراد بهتر است هرچه زودتر محل سکونت یا کار خود را ترک کنند تا گرفتار وضع جوی نامناسب نشوند.

• بهتر است محل کار یا سکونت از راه‌های معمول ترک شده و از راه‌های میانبر استفاده نشود، چون ممکن است مسدود باشند.

• از وضع جاده‌ها و پل‌ها اطلاع پیدا کرده و از مناطق سیل‌زده دوری شود.

• از خطوط فروافتاده برق دوری شود.

• اگر فرصت باشد، لازم است کیف نجات خانواده را به همراه خود برد.

* بهتر است لباس و کفش‌های مناسب نظیر پیراهن آستین‌دار و کلاه پوشیده شود.

* قبل از ترک محل سکونت بهتر است درها و پنجره‌ها را مسدود کرده، وسایل برقی از برق کشیده شوند (مثلا تلویزیون، مایکروویو) اما فریزر و یخچال از برق کشیده نشوند، مگر آن که خطر سیل وجود داشته باشد.

* بهتر است دیگران بدانند که به کجا می‌روید. دیگران را از مقصد خود مطلع کنید.

سایر برنامه‌های مقابله با بحران در سطح جامعه

می‌توان از مسئولان راجع به برنامه‌های مقابله با بحران در سطح جامعه سوالات زیر را پرسید:

• آیا جامعه، برنامه مقابله با بحران دارد یا نه؟

• آیا می‌توان نسخه‌ای از آن را تهیه کرد؟

• محتوای این برنامه چیست؟

• این برنامه هر چند وقت یک‌بار به‌روز می‌شود؟

• به‌عنوان شهروند، وظیفه ما در رابطه با تدوین یا اجرای این برنامه چیست؟

• در این برنامه کدام یک از حوادث، بیشتر مورد ملاحظه قرار گرفته‌اند؟

علاوه بر کسب اطلاع از برنامه جامعه، لازم است از برنامه‌های مقابله با بحران در محل کار، محل تحصیل کودکان و نیز سایر برنامه‌ها آگاه شد.

• از کارفرما یا مدیریت محل کار در مورد برنامه مقابله با بحران سوال شود.

• از مدیر مدرسه یا کودکستان محل تحصیل بچه‌ها نیز راجع به برنامه آنها سوال شود.

برنامه مقابله با بحران در مدرسه

• از مدیر و سایر مسئولان مدرسه پرسیده شود که هنگام بروز بحران چگونه با خانواده‌ها تماس برقرار می‌کنند

• آیا ذخایر کافی غذا، آب و سایر نیازمندی‌های اساسی در مدرسه برای مواقع بحران وجود دارد یا نه؟

• آیا مدرسه دارای پناهگاه هست یا نه؟ در غیر این صورت بچه‌ها در موقع بحران باید به کجا بروند؟

در مواردی که مدرسه دارای پناهگاه هست، ضرورتی ندارد که هنگام بحران با خودرو به دنبال بچه‌ها رفت، زیرا ممکن است برای حفاظت از جان بچه‌ها ورودی‌های آموزشگاه را ببندند. می‌توان از طریق رسانه‌های جمعی اطلاعاتی در مورد باز یا بسته‌بودن مدارس کسب کرد و در هر حال توصیه‌های مقامات مسئول را رعایت کرد.

برنامه مقابله با بحران در محل کار

مدیران یا کارفرمایان کارخانه‌ها باید اطمینان پیدا کنند که محل کار آنها دارای برنامه‌ای برای ترک محل هنگام بروز بحران است. این برنامه باید هر چند وقت یک‌بار همراه با کارگران و کارمندان تمرین شود.

• لازم است در مورد سیستم‌های گرمایشی، سرمایشی و تهویه ساختمان محل کار اطلاعاتی به دست آورد و اطمینان پیدا کرد که این سیستم‌ها ایمن بوده و دارای فیلتر مناسب برای مقابله با آلودگی احتمالی هستند. به‌عنوان کارمند یا کارگر باید در موقع ضرورت بتوان این سیستم‌ها را خاموش کرد.

• راجع به این موضوع فکر شود که اگر کارمندان یا کارگران در موقع بحران نتوانند به خانه بروند چه باید کرد؟

• باید اطمینان پیدا کرد که امکانات کافی و مناسب برای مقابله با بحران در محل کار وجود دارد.

جنبش خادم و عضویت در آن

جنبش «خانواده آماده در مخاطرات» یا جنبش «خادم»، یک تلاش دسته‌جمعی برای آموزش خانواده‌های ایرانی است، برای این که در برابر مخاطراتی که آنها را تهدید می‌کند، آماده شوند. بدنه اصلی جنبش خادم را داوطلبانی تشکیل می‌دهند که بدون هیچ چشمداشتی برای سلامت هرچه بیشتر جامعه تلاش می‌کنند. با وجود این، داوطلبان براساس میزان تلاش‌شان از مشوق‌هایی هم‌برخوردار می‌شوند.

اعضای جنبش خادم، از طریق همین پایگاه، با آموزش‌های سرپایی آشنا می‌شوند و بعد با مراجعه به شعبه جمعیت هلال‌احمر محل سکونت خود، با تکمیل و تحویل فرم عضویت در جنبش خادم، پس از طی یک دوره آموزشی سه ساعته به عضویت این جنبش پیشرو دوستانه درمی‌آیند.

شما می‌توانید به‌زودی فرم عضویت در جنبش خادم را از این پایگاه دریافت کنید و پس از تکمیل آن، به همراه یک برگ تصویر کارت ملی خود، به شعبه جمعیت هلال‌احمر محل سکونت خود مراجعه کنید

مشوق‌های اعضای جنبش خادم

۱- مشوق‌های مالی: هر عضو به‌ازای هر بار مراجعه به در هر خانه و اجرای آموزش سرپایی- براساس سهمیه‌بندی مدیریت جنبش در شعبه جمعیت هلال‌احمر، پس از تایید آن مدیریت، مبلغی را به‌عنوان هزینه ایاب و ذهاب دریافت می‌کند.

۲- سایر مشوق‌ها: این مشوق‌ها فقط شامل اعضای فعال جنبش خادم می‌شود. عضو فعال به عضوی گفته می‌شود که حداقل صدخانواده را تحت‌پوشش خود داشته باشد.

این مشوق‌ها عبارتند از:

الف- شرکت در اردوهای جمعیت هلال‌احمر

ب- دریافت کارت تخفیف شرکت در کلاس‌های مختلف

ج- دریافت تقدیرنامه از مقامات مسئول

د- سایر امتیازات به‌مناسبت‌های مختلف

آموزش‌های سرپایی چیست؟

آموزش‌های سرپایی، آموزش‌هایی است که اعضای جنبش خادم، آنها را هنگام مراجعه به در منازل مردم، به آنان ارایه می‌کنند. این آموزش‌ها دارای این ویژگی‌هاست:

۱- کوتاه است: این آموزش‌ها نباید بیشتر از ۵ دقیقه طول بکشد. بیشتر از این باعث ایجاد خستگی و احتمالا مزاحمت برای مردم خواهد شد.

۲- ساده است: باید هنگام ارایه این آموزش‌ها، بر سادگی آنها تاکید کنید و همیشه این جمله طلایی را به کسی که به در منزل او مراجعه کرده، بگویید: «اگر به این آموزش‌های ساده عمل کنید، می‌تواند سلامت خانواده شما را هنگام وقوع حوادث و بلایا حفظ کند. واقعا به همین سادگی است.»